بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان و نام پدیدآور: رقابت حاکمیت در ایران قرن هجدهم م/ سرویراستار چارلز ملویل؛ ترجمه خسرو خواجه‌نوری، سمانه حق‌شناس.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۴۰۳.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۲۳۳۵-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: The contest for rule in eighteenth-century Iran: idea of Iran, 2022.
موضوع: ایران - تاریخ - قرن ۱۲ق.
Iran - History - 18th century
شناسه افزوده: خواجه‌نوری، خسرو، ۱۳۵۵ -، مترجم
شناسه افزوده: حق‌شناس، سمانه، ۱۳۶۴-، مترجم
رده بندی کنگره: DSR۱۲۶۵
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۲۲
شماره کتابشناسی ملی: ۹۶۲۱۰۳۹

رقابت حاکمیت در ایران قرن هجدهم

اندیشهٔ ایرانی

زیر نظر: چارلز ملویل

ترجمهٔ خسرو خواجه‌نوری، سمانه حق‌شناس

رقابت حاکمیت در ایران قرن هجدهم

اندیشهٔ ایرانی

زیر نظر: چارلز ملویل

ترجمهٔ خسرو خواجه‌نوری، سمانه حق‌شناس

چاپ اول ۱۴۰۳ ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی،
تقاطع خیابان سعدی، پلاک ۲
شمارهٔ تماس: ۲-۰۲۱۳۳۹۰۰۷۵۱ و ۶۱۲۸
کدپستی: ۱۱۴۳۸۱۷۸۱۸

amirkabirpub.ir
@amirkabirpubco

مؤسسهٔ انتشارات امیرکبیر
© همهٔ حقوق محفوظ است.

تقدیم به دکتر سینا فروزش

فهرست

دربارهٔ این مجموعه ۱۱

مقدمهٔ مترجمان ۱۳

تشکر و قدردانی ۱۵

شرح حال مؤلفان ۱۹

پیشگفتار ۲۵

یادداشت‌ها ۳۷

فصل اول: اندیشهٔ ایرانی نادرشاه ۴۱

اندیشه‌های ایرانی قبل از پادشاهی نادر /۴۴/ تاج‌گذاری نادر در دشت مغان: آغازی بر اندیشهٔ ایرانی بدیع او /۴۷/ اندیشهٔ ایرانی و فتح هند به دست نادر /۵۱/ خراسان، مرکز جدید ایران: نقش کلات نادری /۵۳/ اندیشهٔ نادر در باب ایران و حضور دوبارهٔ عثمانی‌ها در نجف /۵۸/ نتیجه: پایان درگیری بین نادر و عثمانی‌ها /۶۰/یادداشت‌ها/۶۳/کتابشناسی/۶۷/

فصل دوم: پرتره‌های نادرشاه و تغییر پیکرهٔ سیاسی در ایران پس از صفویه ۷۱

یادداشت‌ها/۹۹/کتابشناسی/۱۰۹/گزارش‌های مطبوعاتی /۱۰۹/سایر منابع و مطالعات /۱۱۰/

فصل سوم: دولت ایرانی و میراث صفوی ... ۱۱۹

مقدمه: میراث صفویه در کرانهٔ دریای خزر /۱۱۹/ دیپلماسی خزری روسیه و «دولت ایرانی» /۱۲۶/ احیا و استمرار صفویه در میان قاجارها /۱۳۸/ نتیجه‌گیری: مسئلهٔ اشرف /۱۴۵/ یادداشت‌ها/۱۴۹/ کتابشناسی/۱۵۵/

فصل چهارم: حسرت گذشتهٔ صفوی در وقایع‌نگاری‌های اوایل قاجار ۱۵۹

وقایع‌نگاری‌های اوایل قاجار /۱۶۳/ پیوندها با صفویان /۱۶۷/ یک پادشاهِ همه چیز تمام /۱۷۱/ یک امپراتوری احیاشده /۱۷۹/ یادداشت‌ها/۱۸۵/ کتابشناسی/۱۹۱/

فصل پنجم: از چهل‌ستون تا عمارت دیوانی قم... ۱۹۷

نگاه تاریخی به دیوارنگاری در ایران /۱۹۸/ دیوارنگاری در دورهٔ آغامحمدخان (۱۷۸۵–۱۷۹۵م/۱۱۹۹–۱۲۱۱ق) /۲۰۴/ شکوفایی دیوارنگاری در دورهٔ فتحعلی‌شاه (۱۷۹۷–۱۸۳۴م/۱۲۱۱–۱۲۴۹ق) /۲۰۵/ عمارت دیوانی، قم و آخرین دیوارنگاری از دورهٔ فتحعلی شاه /۲۱۳/ یادداشت‌ها/۲۲۳/ کتابشناسی/۲۳۱/

فصل ششم: مبادلهٔ هدایای دیپلماتیک بین دربار روسیه و ایران... ۲۳۹

هیئت روسی در دربار ایران /۲۴۴/ هیئت ایرانی در دربار روسیه /۲۶۱/ فنجان‌ها و پایه‌های اهداشده از سوی خسرومیرزا /۲۶۸/ پیشینه‌ها و منابع فرهنگی برای تولید اشیای مصور و هنری زیبا /۲۷۶/ سر رابرت کرپورتر و پرتره‌های سلطنتی قاجار /۲۷۹/ یادداشت‌ها/۲۸۷/ کتابشناسی/۲۹۹/ فیلم و سریال‌های تلویزیونی /۳۰۸/

فصل هفتم: ملی‌گرایی آغازین در افغانستان و ایران عصر جدید ۳۱۳

مقدمه /۳۱۳/ رقابت با میراث صفوی /۳۱۵/ رقابت با میراث نادری /۳۲۲/ رقابت قاجار–درّانی در خراسان /۳۲۸/ نتیجه‌گیری /۳۳۴/ یادداشت‌ها/۳۳۷/ کتابشناسی/۳۴۱/

فصل هشتم: پیکار در مرزها: ایران و خانات آسیای مرکزی ۳۴۵

نتیجه‌گیری /۳۶۹/ یادداشت‌ها/۳۷۱/ کتابشناسی/۳۷۹/ منابع آنلاین /۳۸۳/

فصل نهم: سر ویلیام جونز و انتقال اندیشهٔ ایرانی به هند ۳۸۵

یادداشت‌ها/۴۰۹/کتابشناسی/۴۱۷/

نمایه ۴۱۳

آلبوم تصاویر ۴۳۷

دربارهٔ این مجموعه

مجموعهٔ اندیشهٔ ایرانی مشتمل بر یازده مجلد زیر است که توسط انتشارات آی بی تاوریس در لندن به زبان انگلیسی به زیور طبع آراسته شده است.

۱. تولد امپراتوری پارس
۲. عصر پارتیان
۳. دورهٔ ساسانی
۴. ظهور اسلام
۵. ایران در اوایل دورهٔ اسلامی
۶. عصر سلجوقیان
۷. برآمدن مغولان
۸. ایران پس از مغولان
۹. سدهٔ تیموری
۱۰. ایران صفوی در عصر امپراتوری‌ها
۱۱. رقابت حاکمیت در ایران قرن هجدهم

مؤلفان این مجموعه که از محققان برجسته، تاریخ‌نگاران، باستان‌شناسان، جامعه‌شناسان تاریخی و پژوهشگران هنر هستند، تلاش نمودند تا نگاه تازه‌ای به اندیشهٔ ایرانی در طول تاریخ این مرز و بوم بیندازند. این مجموعه اطلاعات ارزشمندی در حوزهٔ مطالعات تاریخ و فرهنگ ایران از دوران باستان تا اوایل قاجار را در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان به این‌گونه آثار قرار می‌دهد.

هدف این مجموعه بازشناسی اندیشهٔ ایرانی در طول تاریخ ایران از دوران باستان تا اوایل دورهٔ قاجار است و در پی آن پیوندی بین علم تاریخ با علومی همانند جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد، الهیات و هنر برقرار می‌کند که نتیجهٔ آن‌ها ارائهٔ بهترین و ارزشمندترین آثار تألیفی در زمینهٔ تاریخ ایران خواهد بود.

در ترجمهٔ این مجموعه افتخار همکاری با استادان و مترجمان توانمند در زمینهٔ تاریخ ایران را داشتم. در اینجا از همکاری هر یک از این دوستان کمال تشکر و قدردانی را می‌نمایم.

در پایان می‌بایست از مدیریت انتشارات امیرکبیر و کارکنان محترم آن مؤسسه که زمینهٔ چاپ این اثر وزین را فراهم کردند، سپاسگزاری نمایم.

خسرو خواجه نوری

مقدمهٔ مترجمان

این اثر به بررسی قرن پرآشوب هجدهم در ایران، بین فروپاشی صفویان و تأسیس سلسلهٔ قاجاریه در دهه‌های ابتدایی قرن نوزدهم می‌پردازد. علی رغم موفقیت‌های نظامی چشمگیر نادرشاه، در شکست مهاجمان افغان، عقب راندن عثمانی‌ها در غرب، و لشکرکشی به هند و آسیای مرکزی، با این‌حال ایران به‌طور پیوسته سرزمین‌هایی را در قفقاز و شرق از دست داد، جایی که سلاح‌های ایرانی نتوانستند سرزمین‌ها را پس بگیرند. آن‌ها معرکه را به افغان‌ها و ازبک‌ها باختند. فصل‌های این کتاب تداوم و تغییر در این دورهٔ انتقالی را از منظرهایی از جمله تاریخ سیاسی، تاریخ‌نگاری، هنر و فرهنگ مادی پوشش می‌دهد. آن‌ها تغییرات شرایط داخلی ایران ازجمله میراث مشروعیت‌بخش دورهٔ صفویه در تواریخ دربار، ظهور نادرشاه و تأثیر او براندیشهٔ ایرانی و همچنین هنر سلسله‌های متوالی را که برای کسب قدرت و اعتبار رقابت می‌کردند، روشن می‌کنند. این اثر همچنین با بررسی روابط با روسیه، بریتانیا و هند به وضعیت تغییریافتهٔ بین‌المللی ایران می‌پردازد که نتیجهٔ آن با حضور محدود در نظم نوین جهانی تحت سلطهٔ اروپا، به ظهور مجدد آن کمک می‌کند.

در ترجمهٔ این اثر به نکته‌هایی دقت شده است:

الف) زیرنویس‌ها همه از مترجمان است و توضیحات مؤلف در پایان هر فصل تحت عنوان یادداشت‌ها آمده و منابع مربوط به هر فصل نیز بعد از یادداشت‌ها آمده است.

ب) در ترجمهٔ متون تاریخی‌ای که در اثر آمده به خود آن متون مراجعه شده و مطالب آن عیناً نقل گردیده است.

ج) مترجمان مطلبی بر متن اضافه ننموده‌اند مگر اضافه کردن «ﷺ» بعد از اسامی پیامبران و «علیه‌السلام» بعد از اسامی ائمهٔ اطهار. اگر کلمه یا اصطلاحی نامفهوم بوده در پانویس توضیح داده شده است.

د) منابع پایانی هر فصل کتاب دسته‌بندی شده و هرکدام از منابع که معادل فارسی آن موجود بوده به همان صورت آورده شده است.

در پایان این مقدمه می‌بایست از جناب مهران عباسی مدیر محترم سابق انتشارات امیرکبیر که از چاپ این اثر استقبال نمودند، سپاسگزاری کنیم از آقایان دکتر شروین مقیمی و جناب خدایار قاقانی که متن کتاب را خوانده و اشکالات علمی و فنی اثر را یادآوری کردند، تشکر می‌نماییم. همچنین از والده محترم سرکار خانم سمانه حق‌شناس که در ایجاد محیطی آرام جهت تحریر این اثر یاری رساندند کمال امتنان را داریم. در آخر مترجمان این اثر را به دکتر سینا فروزش تقدیم می‌دارند.

خسرو خواجه‌نوری
سمانه حق‌شناس
پاییز ۱۴۰۳ خورشیدی

تشکر و قدردانی

مجلد یازدهم از مجموعهٔ «اندیشهٔ ایرانی»، همانند موارد قبلی، بر حمایت مستمر بسیاری از اشخاص تکیه کرده است که برجسته‌ترین آن‌ها با متولیان بنیاد یادبود سودآور[1] به‌ویژه خانم «فاطمه سودآور فرمانفرمائیان»[2] و دکتر «لیلا دیبا»[3] آغاز می‌شود؛ هر دوی آن‌ها نه تنها در چارچوب برنامهٔ دانشگاهی بلکه از مسیرهای دیگر امروزی پیگیرانه آمادهٔ نکته‌گویی و نکته‌پردازی مشفقانه هستند. برای نخستین بار و به دلیل مشکلات ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، سمپوزیومی[4] که مجلد حاضر بر آن استوار است به‌صورت مجازی در نوامبر ۲۰۲۰م با عنوان «**ایران در گذار به نظم نوین جهانی**» برگزار شد. این اقدام‌ها مستلزم مجموعه‌ای متفاوت از توانایی‌های اداری و فنی بود که از سوی مرکز مطالعات ایران در مؤسسهٔ سواس(SOAS)[5] خاورمیانه به طرز ماهرانه‌ای ارائه شد.

1. Soudavar Memorial Foundation

2. Fatema Soudavar Farmanfarmaian

3. Layla Diba

4. symposium

۵. سواس(SOAS)، مخفف School of Oriental and African Studies مدرسهٔ مطالعات شرقی و آفریقایی: دانشگاه دولتی و پژوهشی در لندن انگلستان و از کالج‌های تشکیل‌دهندهٔ دانشگاه لندن است که در زمینهٔ حقوق، زبان، علوم انسانی و اقتصاد کشورهای قارهٔ آسیا، منطقهٔ خاورمیانه و آفریقا تخصص دارد.

در گام نخست از همکارم، دکتر «سارا استوارت»[1]، برای حمایت و مساعدت مستمرش در نظارت بر اجرای نشست‌ها -که در این مجلد منتشر می‌شود- و «آنجلیکا باشیرا»[2] برای رسیدگی به امور عملی سازمان تشکر می‌نمایم.

«پرویز فزونی»[3] بار دیگر فصل‌ها و لوح را عاشقانه و با حوصله و دقت فراوان، حروفچینی و صفحه‌بندی کرده است. «اندی پلاتز»[4] که بار دیگر از کار کردن بر روی ویرایش نسخه لذت برده و راه‌های زیادی برای بهبود هر فصل یافته و درعین‌حال معتقد است، این اثر در شرایط خوبی به او رسیده و تقریباً هیچ کاری برای انجام دادن نداشته است.

طبیعی است بدون تلاش نویسندگان برای تبدیل مقاله‌های خود به متون قابل انتشار، این کتاب به هیچ وجه نمی‌توانست وجود داشته باشد و من از آن‌ها برای انجام تعهد و احساس مسئولیت‌شان تشکر می‌کنم. آن‌ها و من همگی از نظرات ارائه شدهٔ دو منتقد ناشناس بهره برده‌ایم. در نهایت، همچنین از «روری گورملی»[5] و «یاسمین گارچا»[6] در آی.بی.تاوریس/بلومزبری[7] برای توجه و شکیبایی‌شان نسبت به تولید این جلد سپاسگزارم. این اثر به یاد مرحوم پروفسور «برت فراگنر»[8] (تولد: ۲۷ نوامبر ۱۹۴۱-درگذشت: ۱۶ دسامبر

---

1. Sarah Stewart
2. Angelica Baschiera
3. Parvis Fozooni
4. Andy Platts
5. Rory Gormley
6. Yasmin Garcha

۷. آی.بی.تاوریس (I.B. Tauris/Bloomsbury) ناشری مستقل دارای دفاتری در لندن و نیویورک بود که در سال ۱۹۸۳م تأسیس شد. بعدها در سال ۲۰۱۸ م انتشارات بلومزبری آن را خرید و ضمیمهٔ خود ساخت. -م

8. Bert Fragner

۲۰۲۱) به ایشان تقدیم شده است که برای بیان «اندیشهٔ ایرانی» بسیار تلاش کرد و در گفتار و اسناد متعدد، پیامدهای آن را در طول گذرهای تاریخ از مغول تا قاجار بررسی کرد. به‌خاطر حرفهٔ علمی و تشویق خستگی‌ناپذیر او در این زمینه، همهٔ ما، موارد زیادی را برای قدردانی از این مرد بزرگ داریم.

شرح حال مؤلفان

فیروزه عبدالله‌یوا[1] از دانشگاه سن‌پطرزبورگ فارغ‌التحصیل شد و در آنجا دکترای خود را به پایان رساند و در بخش ایرانیان تدریس کرد. وی درمقام دانشیار و برای تدریس ادبیات فارسی، سن‌پطرزبورگ را به مقصد آکسفورد ترک نمود. در آنجا عضو کالج وادام[2] شد و تصدی کتابخانهٔ فردوسی دانشگاه را نیز برعهده گرفت. در سال ۲۰۱۰م، او به عنوان محقق در کالج پمبروک[3] به کمبریج رفت و در حال حاضر مدیر تحقیقات مرکز شاهنامهٔ کمبریج است. تحقیقات او شامل ادبیات فارسی و کتب مصور، شرق‌شناسی فرهنگی روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، دیپلماسی روسی و ایرانی اوایل دورهٔ قاجار می‌شود.

آصف اشرف[4]، استادیار دانشگاه در شاخهٔ مطالعات سرزمین‌های اسلامی شرقی و جهان فارسی‌زبان در دانشگاه کمبریج و عضو کالج پمبروک است. تحقیقات وی در نشریات مطالعات تطبیقی در *جامعه و*

1. Firuza Abdullaeva
2. Wadham College
3. Pembroke College
4. Assef Ashraf

تاریخ[1]، مجلهٔ تاریخ اقتصادی و اجتماعی ***مشرق‌زمین***[2] و مجلهٔ بین‌المللی ***مطالعات خاورمیانه***[3] منتشر شده است. او به‌طور مشترک مجلد ***دنیای پارسی: بازاندیشی در یک قلمرو مشترک***[4] را ویرایش کرده و هم‌اکنون مشغول نگارش کتابی دربارهٔ شکل‌گیری ایران قاجار است.

کوین گلدهیل[5]، مدرس گروه تاریخ در دانشگاه سیکرید هارت[6] در شهر فیرفیلد[7]، ایالت کانکتیکات[8] است. او پیش از این در دانشگاه ییل[9]، دانشگاه کلارک[10] و دانشگاه کوینیپیاک[11] تدریس می‌کرد و دکترای خود را از دانشگاه ییل (در مـی۲۰۲۰م)، کارشناسی ارشد را از مرکز مطالعات خاورمیانه در دانشگاه شیکاگو (۲۰۱۱م) و مدرک کارشناسی را در رشتهٔ تاریخ و زبان اسپانیایی از دانشگاه لاسال[12] (۲۰۰۹م) اخذ نمود. او در آثارش بر تاریخ ایران، جنوب روسیه و قفقاز جنوبی در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی تمرکز دارد و بر این عقیده است که حوزه‌ی دریای خزر باید به عنوان واحدی مستقل در تحلیل تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

چارلز ملویل[13]، استاد بازنشستهٔ تاریخ ایـران از دانشگاه کمبریج و

---

1. Comparative Studies in Society and History
2. the Journal of the Economic and Social History of the Orient
3. International Journal of Middle East Studies
4. The Persianate World: Rethinking a Shared Sphere
5. Kevin Gledhill
6. Sacred Heart University
7. Fairfield
8. Connecticut
9. Yale University
10. Clark University
11. Quinnipiac
12. La Salle University
13. Charles Melville

درحال‌حاضر رئیس مؤسسهٔ بریتانیایی مطالعات فارسی[1] (آکادمی بریتانیا) و مدیر پروژهٔ شاهنامهٔ کمبریج است. وی عضو دائمی مرکز مطالعات فرهنگ‌های نسخه‌های خطی[2] در دانشگاه هامبورگ محسوب می‌شود و در آنجا با کمک‌هزینه‌ای ممتاز از لورهولم تراست[3] بر روی پروژهٔ «تصویرسازی تاریخ ایران»[4] مشغول است.

کیانوش معتقدی[5] هنرمند و تاریخ‌نگار هنر اسلامی است؛ از او چندین کتاب و مقاله در زمینه‌های سفالینه‌های ایرانی، خوشنویسی و هنرهای قاجار منتشر شده است. وی در هر دو سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸م برای تحقیقات مستقل خود از وزارت فرهنگ و ارتباطات فرانسه بورسیه دریافت نمود. در سال ۲۰۱۹م نمایشگاهی برگزار کرد و کاتالوگ نقاشی‌های خوشنویسی دوران قاجار را برای موزهٔ رضا عباسی تهران منتشر ساخت. آخرین اثر او ***از باغ گلستان تا کاخ گلستان*** (۲۰۲۱م) است. سفرهای زیادی به خاورمیانه، آسیای مرکزی، هند و اروپا داشته است و به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی آشنایی دارد.

سجاد نجاتی[6]، مدرس دوره‌ای در گروه تمدن‌های خاورمیانه و نزدیک[7] دانشگاه تورنتو است؛ وی در زمینهٔ تاریخ، تاریخ‌نگاری و فرهنگ ایران و افغانستان متقدم و نوین تخصص دارد. هم‌اکنون در حال آماده کردن انتشار نخستین کتاب خود با عنوان موقت ***درّ درّان: تاریخ اتحاد ابدالی-درّانی از سرآغاز تا سلطنت احمدشاه درّ درّان، حدود ۱۵۵۰-۱۷۷۲م***[8] است.

---

1. British Institute of Persian Studies
2. Centre for the Study of Manuscript Cultures
3. Leverhulme Trust
4. Visualising Persian History
5. Kianoosh Motaghedi
6. Sajjad Nejatie
7. Department of Near and Middle Eastern Civilizations
8. The Pearl of Pearls: A History of the Abdali-Durrani Confederacy from its Ori-

جانت اُ براین[1] دانشجوی سال آخر دکترا در مؤسسهٔ هنر کورتولد[2] و دریافت‌کنندهٔ کمک‌هزینهٔ بنیاد یادبود سودآور است. او همچنین عضو پیش دکتری مؤسسهٔ اسمیتسونیان[3] در گالری هنر فریر[4] و گالری آرتور ام. ساکلر[5] در واشنگتن دی‌سی است. پیش‌تر در سمت‌های سرپرستی و تحقیقاتی در موزهٔ هنر والترز[6] در بالتیمور[7]، موزهٔ هنرهای زیبا[8]، هیوستون[9] و گالری کورتولد[10] در لندن فعالیت می‌کرد و استادیار در کورتولد بود. وی یکی از نویسندگان کتاب ***عطای زیبایی: شاهکارهایی از سرزمین‌های ایران، برگزیده‌هایی از مجموعه حسین افشار***[11] (۲۰۲۰م) به‌شمار می‌آید.

جان پری[12] استاد بازنشستهٔ فارسی در دانشگاه شیکاگوست. تک‌پژوهش‌های او عبارتند از: ***کریم خان زند: تاریخ ایران، ۱۷۴۷-۱۷۷۹م***[13] (۱۹۷۹) و ***شکل و معنا در واژگان فارسی: پایان مؤنث عربی***[14] (۱۹۹۱). او در حال حاضر ویراستار دایرةالمعارف ایرانیکاست و در سال ۲۰۱۹م جایزهٔ

---

gins to the Reign of Ahmad Shah Durr-i Durran, circa 1550–1772

1. Janet O'Brien
2. The Courtauld Institute of Art
3. Smithsonian Institution
4. Freer Gallery of Art
5. Arthur M. Sackler Gallery
6. Walters Art Museum
7. Baltimore
8. Museum of Fine Arts
9. Houston
10. Courtauld Gallery
11. Bestowing Beauty: Masterpieces from Persian Lands, Selections from the Hossein Afshar Collection
12. John Perry
13. Khan Zand: History of Iran, 1747–1779
14. Form and Meaning in Persian Vocabulary: The Arabic Feminine Ending

یک عمر دستاورد را از انجمن معلمان فارسی آمریکا[1] دریافت نمود. تحقیقات کنونی او بر تاریخ زبان فارسی و به‌ویژه سازوکارهای گنجاندن واژگان عربی به فارسی و انتشار آن در سایر زبان‌های منطقه متمرکز است.

فاطمه سودآور فرمانفرمائیان[2]، متولد ۱۳۴۰ش در تهران؛ متولی بنیاد یادبود سودآور و مورخ مستقلی است که مقالاتی برای مجلات دانشگاهی و کتاب‌های چند نویسنده‌ای در موضوعات مختلف نوشته که به‌طور معمول به ایران قرن نوزدهم میلادی می‌پردازد و دو کتاب به زبان فارسی ویرایش و تا حدی تألیف کرده است. او دسترسی ممتازی به مجموعه‌ای از آرشیوهای خصوصی و عمومی، عمدتاً در ایران و همچنین در روسیه داشته که بر قسمت‌های کمتر شناخته شدهٔ تاریخ این دوران تأکید دارد.

ارنست تاکر[3] از سال ۱۹۹۰م در بخش تاریخ در آکادمی نیروی دریایی ایالات متحده[4] تدریس می‌کند و در سال ۲۰۰۶م به درجهٔ استادی کامل رسید. تاکر دکترای خود را در تاریخ خاورمیانه از دانشگاه شیکاگو دریافت نمود و در اواخر دههٔ ۱۹۸۰م و در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۶م با اقامت در استانبول ترکیه، به‌عنوان پژوهشگر فول‌برایت[5] مشغول شد. وی در مورد ایران و امپراتوری عثمانی سه کتاب منتشر کرده است. مقالات او در طیف گسترده‌ای از مجلات علمی، لغت‌نامه‌ها و دایرةالمعارف‌ها منتشر شده و به انواع سازمان‌های دولتی و غیردولتی مشاوره داده است.

---

1. American Association of Teachers of Persian
2. Fatema Soudavar Farmanfarmaian
3. Ernest Tucker
4. US Naval Academy
5. Fulbright Scholar

پیشگفتار

چارلز ملویل[1]
(دانشگاه کمبریج)

درحالی‌که بیشتر تغییرات سلسله‌ای و دودمانی، دوره‌های گذار، تداوم و تغییر را دربر می‌گیرد، عصری که در این کتاب از مجموعهٔ «اندیشهٔ ایرانی»[2] به آن پرداخته می‌شود، به دلیل آنکه شاهد یک زمان طولانی تقریباً یک قرنی، بین فروپاشی صفویان و استقرار قاجارهاست، دورهٔ بسیار خاصی محسوب می‌شود؛ دوره‌ای که ایران زنجیره‌ای از حکومت‌های متخاصم، بی‌ثباتی سیاسی و خشونت‌های شدید را تحمل می‌کرد. شاید بتوان آن را با دورهٔ کوتاه‌تر اما به همان اندازه پرتلاطم پس از فروپاشی اقتدار مرکزی ایلخانان (در سال ۱۳۳۵م/۷۳۵ق) مقایسه کرد که امکان ظهور چندین قدرت منطقه‌ای با ادعاهای مختلف بر حاکمیت را فراهم ساخت و موفق‌ترین و ماندگارترین آن‌ها -مظفریان در فارس، جلایریان در عراق و کرت‌ها در هرات- (حداقل برای مدتی) در فتوحات خشونت‌بار تیمور مستحیل شدند.(۱) حکومت طولانی صفویان، از ۱۵۰۱ تا ۱۷۲۲م/۹۰۶ تا ۱۱۳۴ق، همراه با شاهان دست‌نشانده

1. Charles Melville

2. Idea of Iran

برای ۱۵ سال دیگر نیز دوام آورد، اما به همان نسبت، با خلأ طولانی‌مدت قدرت، همراه با تغییرات هم‌آیند در حکومت و رویکردهای متفاوت در ادعای مشروعیت برای فرمانروایی، همراه بود. مهم‌ترین مطالعه دربارهٔ یکی از این حکومت‌ها، کتاب فاخر «جان پری» درمورد حکومت زندیان در جنوب ایران است، با این حال مجلد حاضر به تفصیل به بررسی این حکومت نمی‌پردازد؛ این در حالی است که بیشترین توجهات در این کتاب، مانند این مقدمه، معطوف به نادرشاه می‌شود.[۳]

دورهٔ ناخوشایند «بحران و فروپاشی» ایران (در قرن هجدهم م/دوازدهم ق) که در میان دو حکومت نسبتاً باثبات واقع شد، عمدتاً مورد غفلت قرار گرفته است. اگرچه این دریافت تا حدودی از طریق مجموعه مطالعاتی که اخیراً توسط «مایکل آکسورثی»[1] انجام شده، و ارزیابی تازه‌ای از دانش موجود ارائه می‌دهد و موضوعات مفیدی را برای کار بیشتر پیشنهاد می‌کند،[۴] اصلاح شده است، اما این‌ها برای سرپوش‌نهادن بر فروپاشی اساسی حکومت و جامعه و فقدان امنیت در بخش‌های وسیعی از کشور کافی نیستند. تصور آشفتگی و ناامنی داخلی از سوی همسایگان ایران، شاهدی بر کاهش شدید تعداد سیاحینی بود که از ایران عبور می‌کردند. به غیر از «یوناس هانوی»[2] مشهور، تعداد اندکی از آن‌ها زمانی را در این کشور سپری کردند. کسانی هم که به ایران سفر می‌کردند، مانند هانوی (۱۷۴۳-۱۷۴۴م/۱۱۵۶-۱۱۵۷ق)، دائم به استان‌های شمالی رفته و از طریق آستاراخان در رفت‌وآمد بودند[۵] و هنگام مرگ نادرشاه در همین منطقه حضور داشتند،[۶] یا مانند «ادوارد ایوز»[3] و چند تن از کارمندان بعدی کمپانی هندشرقی، با کشتی از خلیج‌فارس تا بصره رفته و از راه بغداد و موصل عبور کرده و از هند از طریق حلب به اروپا بازمی‌گشتند،[۷] به‌عبارت

1. Michael Axworthy

2. Jonas Hanway

3. Edward Ives

دیگر ایران را به‌طور کامل دور می‌زدند. در اواخر قرن، جهانگردانی مانند «جورج فورستر»[1] (در ۱۷۸۳-۱۷۸۴م/ ۱۱۹۷-۱۱۹۸ق) در شمال شرق ایران و به‌ویژه دیپلمات فرانسوی، «گیوم آنتوان اولیویه»[2] (در سال ۱۷۹۶م/۱۲۱۰ق) در غرب ایران، عمیق‌تر به داخل کشور نفوذ کردند و مشاهدات جالبی در مورد زندگی تجاری و وضعیت شهرها انجام دادند.(۸) اما این امر دید بسیار محدودی نسبت به ایران از سوی خارجی‌ها و نگاهی عموماً و صرفاً پیرامونی را در اختیار ما قرار می‌دهد: این برداشت‌ها با ارزش هستند، اما به‌کارگرفته نشده‌اند و این درحالی است که گزارش‌های جالب دیگری از «اروپای مرکزی» اخیراً از سوی «جورجیو روتا» معرفی شده است.(۹)

بنابراین غفلت از این دوره تا حدی به دلیل کمبود نسبی منابع است، اما همان‌طور که در این مجلد، بررسی «جان پری» از زندیان(۱۰) و فصل «آصف اشرف» در تاریخ‌نگاری آن دوره نشان می‌دهد، تعداد قابل توجهی از وقایع‌نامه‌ها وجود دارد که دورهٔ ظهور قاجار را پوشش می‌دهد و سودمندانه آشکار می‌سازد که حاکمان جدید از خود چه ارزیابی‌ای داشتند. مقالهٔ دکتر اشرف یکی از سؤالات اساسی مبارزه برای قدرت در خلأ پس از صفویه را به خوبی باز می‌کند: یعنی میراث صفویان چه بوده و این میراث چگونه در ذیل جست‌وجوی هویت در حکومت‌های مختلفی که جایگزین صفویان شدند، به بیان درآمده است؟ برای شروع، قاجارها یکی از طوایف قزلباش بودند که جنبش صفویان آغازین را حمایت کردند و توانستند برای اعتبار بخشیدن به مراسم تاج‌گذاری خود به نمادهای صفوی رجوع کنند و از الگوهای اداری و حکمرانی آن‌ها تأثیر بگیرند. آن‌ها جدای از تحسینی که نثار شاه عباس می‌کردند، و جدای از شرح صفات شهریاری آرمانی که در دورهٔ زمامداری دو پادشاه نخست قاجار

1. George Forster

2. Guillaume-Antoine Olivier

یافت می‌شود، به همان میزانی که بر اتحاد مجدد با نواحی مرکزی ایران، به‌عنوان احیاکنندهٔ امپراتوری صفوی، و بر حکمرانی عادلانه مبتنی بود، به همان میزان نیز ادعایشان نسبت به حکومت بر دعوی مشروعیتِ ناشی از میراث‌بران بلافصل صفوی تکیه داشت. درواقع، همان‌طور که نویسنده اشاره می‌کند، قاجارها نه تنها به گذشتهٔ صفویان با حسرت می‌نگریستند، بلکه به منابع هویتی پیشین نیز ذیل عناوینی مانند *خاقان* و صاحبقران، با لحنی ترکی و تیموری می‌نگریستند، لحنی که به گذشتهٔ پیش از اسلام نیز اشاره داشت و دیدگاهی که خود صفویه به ایران داشت، غایب نبود.

برخی از همین منابع چندوجهی، اندیشهٔ نادرشاه در مورد فرمانروایی خویش را پیش چشم قرار می‌دهند، ولو با تأکید بر بازآفرینی یک امپراتوری جهانی تیموری و تقلید از فتوحات تیمور. «ارنست تاکر» در مورد ارکان مختلف این شکل‌گیری هویت و منابع مشروعیت، با «جنبه‌های ایرانی، ترکی-مغولی و اسلامی» بحث می‌کند. گفتنی است که عناصر یکسانی در همهٔ این اندیشه‌ها در هم آمیخته شده‌اند و تفاوت‌شان تنها در تأکید بر شالوده‌ای است که رژیم‌ها بنیان گذارده‌اند. برای نادرشاه، عنصر جدید مردود دانستن هویت منحصراً شیعی ایران و تلاش برای پذیرش شکل جهانی‌تری از اسلام بود. نادر به‌منزلهٔ یک قهرمان صفوی، در آغاز به دنبال بازسازی امپراتوری آن‌ها با بیرون راندن عثمانی‌ها و افغان‌ها و بازپس‌گیری کنترل قفقاز بود و تلاش خود را معطوف به حمله به ماوراءالنهر و شمال هند کرد (و این کار را حتی موفقیت‌آمیزتر از آن چیزی انجام داد که صفویان توانسته بودند بدان نائل شوند)، اما صعود سریع او به تخت سلطنت، بر تأیید *قوریلتای* مغولی مبتنی بود که به دورهٔ ایلخانان بازمی‌گشت. در همان زمان، نادر در حمایت هرچه بیشتر از حرم امام رضا علیه‌السلام در مشهد بسیار تلاش کرد، تلاشی که دست‌کم مصرف داخلی داشت: حداقل چیزی

که می‌توان گفت انتقال پیامی چندوجهی است. اگر همان‌طور که تاکر می‌گوید، نادر ارتباط بین اقتدار سلطنتی و مذهبی در ایران را ضعیف کرد، این کار به طور قطع یک بار دیگر به شیوهٔ رژیم‌های مغولی، تضاد بین آنچه قبل و بعد از آن روی داد را نشان می‌دهد. پادشاهان نخستین قاجار مجدداً از نهاد مذهبی حمایت کردند و درعین‌حال نمادهای سلطنتی پیش از اسلام مانند سنگ‌نگاره‌های تاریخی را پذیرفتند. جالب اینجاست که هم نادرشاه و هم فتحعلی‌شاه، شاهنامه را الگوی خود قرار داده و ***شاهنامهٔ نادری*** از محمدعلی طوسی و ***شاهنشاه‌نامهٔ*** فتحعلی‌خان صبا[۱۱] به این منظور به آن‌ها پیش‌کش شد که جایگزینی برای الگوی پادشاهی مقدس صفویه ارائه گردد.

جانشینی نادرشاه در شرق[۱۲] تا حدی «مشروع» بود، زیرا نوه‌اش شاهرخ (ح. ۱۷۴۸-۱۷۹۶م/۱۱۶۱-۱۲۱۰ق) نوهٔ شاه‌سلطان‌حسین صفوی (متوفی ۱۷۲۶م/۱۱۳۸ق) قلمداد می‌شد و از این رهگذر، چندین مرجع برای تقویت ادعاهای او فراهم می‌آمد.[۱۳] با این‌حال، افشارها به دور از احیای حکومت صفوی و آرزوی حفظ فتوحات نادر، دریافتند که به سختی می‌توانند خود را در برابر جاه‌طلبی‌های افغان‌ها حفظ کنند و بدین ترتیب میراث نادر را از آن خود کنند. همان‌طور که «سجاد نجاتی» در مقالهٔ خویش نشان می‌دهد، درواقع این درّانی‌ها و قاجارها بودند که برای برتری در خراسان به رقابت پرداختند. قاجارها به مثابهٔ قزلباش‌های متخاصم به تصویر درآمدند و نگاه درّانی‌ها به پیش از صفویه، گذشتهٔ سنی و همچنین به تغییراتی که از سوی نادرشاه ایجاد شده بود، معطوف بود و راه را برای استیلای افغان‌ها در منطقه هموار کرده بود. این امر قبلاً با اقدامات صفویان برای حکومت قندهار و تصرف هرات توسط ابدالی‌ها مطرح شده بود. ادعاهای رقیب برای حاکمیت بر هرات را می‌توان به زمانی نسبت داد که خیلی

پیش از ورود قدرت‌های بزرگ به صحنه، بعد جدیدی به رقابت‌ها افزود. برای قاجارها، کنترل خراسان نه‌تنها نشان‌دهندهٔ احیای قلمروهای شرقی امپراتوری صفوی قلمداد می‌شد، بلکه به‌ویژه به‌معنای احیای شخصی سرزمین اجدادی آن‌ها به‌شمار می‌رفت. «فاطمه سودآور» در یک فصل، این تعامل پویا میان ایران و آسیای مرکزی را در بافت تاریخی آن بررسی می‌کند و در باب پیوندهای فرهنگی بلندمدت بین دو منطقه استدلال می‌کند، پیوندهایی که فارغ از جدایی تأثیرگذار ماوراءالنهر از ایران تداوم یافت. با وجود ترکی شدن «خراسان بزرگ» باستانی، هنوز هم می‌توان سرزمین‌های بلخ و مرو را، حداقل از نظر زبان‌شناختی و در پرتو قرن‌ها تاریخ مشترک، به‌عنوان بخشی از اندیشهٔ ایرانی دید.

با این‌حال، اگرچه اندیشهٔ ایرانی در پایان دورهٔ صفوی، چه از نظر فرهنگی و چه از نظر سرزمینی، همچنان می‌توانست شامل مناطق وسیعی باشد که اخیراً گاهی «جهان پارسی شده» نامیده می‌شود و حتی با فتوحات نادرشاه در غرب ایران، آسیای مرکزی و هندوستان تقویت شده بود، اما طی ۵۰ سال پس از مرگ او، واقعیت کاملاً صورت متفاوتی به خود گرفت. نه تنها افغانستان برای همیشه در شرف از دست رفتن بود، بلکه گرجستان و بخش‌های مهمی از جنوب قفقاز نیز به صحنهٔ برخی از بی‌رحمی‌های بیش‌ازحد نادرشاه و آغامحمدخان تبدیل شد؛ اقداماتی که مستقیماً در مورد آغامحمدخان به مرگ او انجامید و در هر دو مورد، دری به روی تهاجمات نه‌چندان خوشایند قدرت رو به افزایش روسیه باز کرد.

در فصلی دیگر، «کوین گلدهیل» به برخی از نخستین برخوردهای تجاری میان روس‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای ایران در فاصلهٔ زمانیِ قبل از ظهور قاجارها می‌پردازد؛ یعنی به زمانی که استان‌های خزر و کنترل دریای خزر تحت نفوذ آن‌ها بود. در این بررسی، تمرکزی خاص بر روی نوع نگاه